



تطبيق تقاضا از ممدوح در سبک خراسانی (منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی) با نگارگری سده هفتم هجری

دل آرام مشکوه مقدس^۱، محمد حجت^{۲*}، مجید حاجی زاده^۳

^۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، کرمان، ایران، delarammeshkohmoghadass@gmail.com
^{۲*} (نویسنده مسئول) دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران، mohammed_1457@yahoo.com
^۳ دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمان، کرمان، ایران، hajizade.majid@yahoo.com

چکیده

فن بیان حوزه‌های مختلفی دارد و یکی از جامع‌ترین و در عین حال، جالب‌ترین اقسام فن بیان در هنر است که به کارگیری آن بدون شک تأثیر قابل ملاحظه‌ای در تولید اثر هنری با کیفیت و فاخر دارد زیرا همانطور که هنر نوعی از بیان است، بیان نیز نوعی از هنر است. در این میان، در بررسی شعر نیز به عنوان یک پدیده هنری، نخستین چیزی که نظر ما را به خود جلب می‌کند، طرز بیان هنرمندانه شاعر است. کسی که با شیوه‌های بیانی یک هنرمند و نوع نگرش او به مسایل آشنا تر است، بهتر می‌تواند در زوایای ذهنی او نفوذ کند و احساس و تخیل او را دریابد. آثار هنری و از جمله شعر، حکم منشوری را دارند که از هر زاویه، چشم‌انداز متفاوتی را عرضه می‌کنند و مجموعه این چشم‌اندازها، تصویری کلی و جامع از منشور را به دست می‌دهند. در این میان، شاعرانی چون فرخی و منوچهری از شاعرانی هستند که در شعر خود، ممدوح را مخاطب قرار داده‌اند. این نوشتار بر آن است تا بیان هنری شاعرانی چون فرخی و منوچهری را در طرح تقاضا و درخواست‌هایشان از ممدوح مورد بررسی قرار دهد و تقاضاهای مطرح شده در شعر آن‌ها را با نگارگری سده هفتم هجری مطابقت دهد. مقوله تقاضا و درخواست که از زیر شاخه‌های ادبیات غنایی محسوب می‌شود، در شعر این شاعران، به صورت‌های گوناگون جلوه کرده است که آنها با بیانی هنرمندانه و به شیوه‌های متفاوت نسبت به طرح آن اقدام کرده‌اند. در این زمینه، سعی شده است تا اشعار این شاعران مورد مطالعه قرار گیرد و انواع درخواست‌ها و تقاضاهای مادی و غیر مادی آن‌ها از ممدوح، استخراج، بررسی و تحلیل گردد.

اهداف پژوهش

۱. بررسی تقاضاها و درخواست‌های مطرح شده در شعر فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی
۲. مطابقت تقاضای مطرح شده از ممدوح در نگارگری سده هفتم هجری

سؤالات پژوهش

۱. تقاضاهای مطرح شده در شعر فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی در چه زمینه‌هایی است؟
۲. وضعیت نگارگری در سده هفتم هجری چگونه است و آیا می‌توان در نگارگری این دوره، نمونه‌هایی از تقاضا و درخواست پیدا کرد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۸

دوره ۱۶

صفحه ۳۶۱ الی ۳۷۶

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۱۵

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

تقاضا،

فرخی،

ممدوح،

نگارگری،

سده هفتم هجری.

ارجاع به این مقاله

مشکوه مقدس، دل آرام، حجت، محمد، حاجی زاده، مجید. (۱۳۹۹). تطبيق تقاضا از ممدوح در سبک خراسانی (منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی) با نگارگری سده هفتم هجری. هنر اسلامی. ۳۶۱-۳۷۶، (۳۸)، ۱۶،

doi dx.doi.org/10.22034/IAS
۰۲۰۲۰۲۰۹۹۵۷۱۰۹۳
www.SID.ir

۱. مقدمه

موضوع تقاضا و درخواست، یکی از موضوعاتی است که از فروع ادب غنایی محسوب می‌شود و در طول ادوار مختلف، همواره شاعران شعر فارسی به این مقوله در شعر خود توجه کرده‌اند. در قرن پنجم هجری به سبب حمله گروه‌های قومی گوناگون به ایران و آشفتگی و نابسامانی اوضاع و احوال مردم، این درخواست‌ها در شعر شاعران فزونی می‌گیرد. شاعران در شعر خود، به مسأله درخواست و تقاضا از ممدوح در شعرشان پرداخته‌اند و نمونه‌های فراوانی از این موضوع، در شعرشان به چشم می‌خورد. از شاعران برجسته این دوره می‌توان به فرخی و منوچهری اشاره داشت. مسئله‌ای که اینجا مطرح می‌گردد رویکرد این شاعران به قدرت‌های سیاسی وقت و انعکاس آن به شکل تقاضا و درخواست در اشعارشان است. با بررسی مقوله تقاضا و درخواست در اشعار شاعران مورد مطالعه، علاوه بر آنکه می‌توان با زندگی و نحوه تفکرشان آشنا شد می‌توان از ارزش‌های زبانی و هنری، زمینه‌های تاریخی و اجتماعی آن زمان را روشن و شفاف به تصویر می‌کشد و بیانگر وضعیت شاعر در عصر اوست که متأثر از مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار آن‌ها بوده است. بنابراین، با بررسی موضوع تقاضا و درخواست در شعر شاعران مذکور، می‌توان ابعاد مختلف تاریخ و فرهنگ و هنر دوران آن‌ها را مورد تحلیل قرار داد و دانست که تقاضاهایی که در شعر این شاعران مطرح شده، نشان‌دهنده چه مسأله‌ای از زندگی و جامعه آن‌هاست و شامل چه مواردی می‌شود.

در مورد مقوله تقاضا و درخواست در شعر فارسی، تحقیقات چندانی صورت نگرفته است. تنها دو تحقیق در این زمینه یافت شد که عبارتند از: پایان‌نامه «بررسی و تحلیل تقاضا و درخواست در شعر فارسی از قرن هفتم تا پایان قرن نهم (سبک عراقی)» (۱۳۸۹)، نوشته زینب فرحناک جهرمی، به راهنمایی دکتر علی اصغر باباصفری. در این پایان‌نامه به بررسی تقاضا و درخواست در شعر ده شاعر برجسته سبک عراقی پرداخته شده که عبارتند از: کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، سعدی شیرازی، نزاری قهستانی، خواجوی کرمانی، ابن یمین فریومدی، عماد فقیه کرمانی، سیف فرغانی، سلمان ساوجی، خواجه حافظ شیرازی و عبدالرحمان جامی. نگارنده در این تحقیق به این نتیجه رسیده که شاعران این دوره، نمونه‌های فراوانی از تقاضا را در شعر خود مطرح کرده‌اند؛ خصوصاً شاعران درباری چون کمال‌الدین اسماعیل، سلمان ساوجی و ابن یمین. در مقابل، شاعرانی چون شیخ جامی، سعدی، عماد فقیه و حافظ، با توجه به اینکه از مشرب عرفان و تصوف سیراب بوده‌اند، کمتر به این مسأله پرداخته‌اند. مقاله «بررسی و تحلیل درخواست و تقاضا در اشعار کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی» (۱۳۸۸)، نوشته علی اصغر بابا صفری و زینب فرحناک جهرمی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش، به بررسی موضوع تقاضا و درخواست در اشعار کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی پرداخته شده است. نتیجه کلی این پژوهش، آن است که بیشتر تقاضای مطرح شده در شعر این شاعر، از نوع تقاضاهای مادی است که بیانگر وضعیت دشوار زندگی و معیشت وی بوده است. بنابراین با جستجوهای صورت گرفته و بررسی مطالعه‌هایی که بر روی پژوهش‌های نوشته شده در حوزه تقاضا و درخواست انجام شده، به این نتیجه رسیده شد که تاکنون موضوع «بیان هنری شاعران قرون ۴ تا ۶ هجری در طرح تقاضا از ممدوح (با تکیه بر اشعار فرخی و منوچهری)» مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته و با توجه به این مسأله که تحقیقات بسیار اندکی در حوزه مقوله تقاضا و درخواست در شعر فارسی انجام شده، جای خالی تحقیقات در این زمینه به نحو بارزی احساس می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های اسناد و کتابخانه‌ای به بررسی این موضوع پرداخته است تا بدین طریق زوایای مختلف این مسئله را روشن سازد. در این تحقیق، نگارنده بر آن شد تا به بررسی موضوع تقاضا و درخواست، که یکی از موضوعات مطرح در ادبیات غنایی

است، بپردازد. برای این منظور، دیوان‌های دو تن از شاعران برجسته فارسی، به نام‌های فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی مورد بررسی قرار گرفت و موارد تقاضا و درخواست از ممدوح، از شعر آن‌ها استخراج و پس از طبقه‌بندی، به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شد. لازم به ذکر است که در این بررسی، طرز بیان هنرمندانه آن‌ها در طرح تقاضا از ممدوح، مورد توجه قرار گرفت است و با نگارگری سده هشتم هجری مقایسه گردید.

۲. تقاضا در شعر

موضوع تقاضا و درخواست، یکی از مباحثی است که از دیرباز در شعر فارسی مطرح بوده است. شاعران شعر فارسی از همان ابتدای شروع شعر فارسی، این شیوه را در شعر خود به گونه‌های مختلف به کار می‌بردند. دقیقاً مشخص نیست که چه کسی اولین بار آن را در پیکره شعر فارسی بنا نهاد؛ اما توسط هر که این رسم گذاشته شد، شروعی شد برای سایر شاعرانی که ضمن سرودن شعر به دنبال کسب امتیاز و منفعت بودند. شاعرانی چون رودکی، عنصری و فرخی این شیوه را به شکل گسترده‌تری در اشعار خود دنبال کردند، بدیهی است که این مقوله در اشعار شاعران درباری، بیشترین نمود و انعکاس را داشت. محیط دربارهای سلاطین، چنین جوی را برای شاعران فراهم می‌کرده است که نیازها و خواسته‌های خود را در قالب شعر، ارائه کنند. دربارهای پادشاهان ایرانی همیشه محل تجمع ادیبان، نویسندگان، شاعران و هنرمندانی بوده است که به دلایل و انگیزه‌های مختلف، دربار را برای ادامه فعالیت‌های ادبی و هنریشان انتخاب می‌کرده‌اند. انگیزه‌هایی چون: بهره‌وری از امکانات رفاهی دربار و تحت حمایت شاه و درباریان قرار گرفتن و همچنین کمک برای حیات و جاویدان ماندن اثر هنریشان (جهرمی، ۱۳۸۹: ۳۶).

زرین کوب در این باره می‌نویسد: «این انگیزه‌ها و سایر شرایط حاکم بر جامعه مثل فقر و وضعیت بد معیشت مردم، سبب می‌شد که شاعران، محیط دربار را محیطی امن برای ادامه فعالیتشان ببینند. علاوه بر همه این‌ها، اشتغال فرد به شاعری، او را از بقیه امور وا می‌داشت. در اکثر موارد، شاعران به دلیل داشتن روحیه خاص، به جز شاعری، به کار دیگری اشتغال نداشتند از این رو، گفتن شعر، وسیله‌ای بود برای کسب درآمد و امرار معاش و گذران زندگی. از شاعران وارسته‌ای چون: مولانا جلال‌الدین، سعدی، جامی و غیره که بگذریم، بسیاری از شاعران، در سرودن اشعار خود، انگیزه‌های دیگری جز خلق اثری ماندگار و تأثیرگذار داشته‌اند. در حقیقت، آن انگیزه‌ای که شاعر را به سرودن شعر بر می‌انگیزد، هدف او را نیز تعیین می‌کند، مثلاً شاعری هست که خشم، او را به شاعری وا می‌دارد، شاعر دیگری، در غلبه میل و محبت، سخن‌سرایی می‌کند و شاعری هم هست که تنها از توقع می‌تواند تار دلش را بلرزاند و به نوا در آورد. در بین شاعران، بسیاری بوده‌اند که به تأثیر این عوامل نفسانی در پیدایش شعر توجه داشته‌اند» (زرین کوب، ۱۳۴۶: ۱۵۷).

نکته قابل تأملی که ذکر آن در این مبحث ضروری می‌نماید، این است که با توجه به این‌که بخش عمده‌ای از شعر گذشته فارسی، در محیط دربارهای فاسد سلاطین جور یا دستگاه خاندان زورمند زرمدرار به وجود می‌آمد، اما آلودگی این محیط‌ها و شیوه تبلیغی این ممدوحان ظل‌اللهی به گونه‌ای بود که علاوه بر آن که شاعران حرفه‌ای فرصت طلب را به طمع دریافت هدیه گرانقدر و یا تقرب به ممدوح آنچنانی، به چنبر دناوت و گدایی و بردگی سوق می‌دهد و به سقوط اخلاقی می‌کشاند، حتی عده‌ای از شاعران معتبر و آزاده‌ای نظیر سنایی، مسعود سعد، ناصر خسرو و ابن یمین را در اوقات آسایش و تقرب به دربارهای مذکور، اسیر هوی و هوس و کامرانی یا طمع و استکسب می‌کند. چه، این دسته از شاعران، پس از بیرون آمدن از چنین محیط‌هایی است که به واسطه تنفر از دربار یا به علت تهمت و محبوسیت طولانی، قرایحشان به جنبش می‌آمد و حواس و افکارشان جمع می‌شود و هیجان‌هایی در

آن‌ها پدیدار می‌گشت و همین‌هاست که مایه خوبی و فوق محیط بودن اشعار آن‌ها می‌شد (رمجو، ۱۳۸۲: ۸۶). این مسأله مهم که چرا شاعر درخواست‌هایش را در شعر مطرح می‌کند و شعر را محلی برای بیان هنرمندانه این گونه مسائل انتخاب می‌کند، موضوعی قابل بحث است. در این معنی باید گفت که، این ناشی از خاصیت ویژه شعر است که شاعر با آگاهی از این موضوع و علم به آن، شعر را برای بهره بردن از امکانات خاص به کار می‌گیرد. شاعر بسته به نیات و انگیزه‌های خود، شعری را در قالبی خاص ارائه می‌دهد و به وسیله آن در اندیشه و احساس مخاطب نفوذ پیدا می‌کند و می‌تواند او را در زمینه مورد علاقه خود تحریک نماید. شاعر با قدرت هنر بیان و با ابزار زبان، این توان را داراست که به مدد بلاغت و هنر القاء، دیگران را در مسیر فکری و عاطفی خود قرار دهد.

۳. سبک خراسانی

در سبک خراسانی مقارن با دوره اول و دوم شعر رسمی فارسی بود. یعنی عصر سامانی و غزنوی، گرچه هدف شعر مدح و ستایش شاهان بود اما در شعر این دوران شاعر در وصف طبیعت بسیار سروده است. عصر غزنویان، عصر ترک تازی‌هاست؛ کشورگشای‌ها و غنیمت‌ها، عصر ثروت‌های چپاول شده هنگفت و نیز عصر مبارزه با ملیت ایرانی. شاعران این سبک زیباترین تصاویر را از طبیعت و زندگی به نمایش می‌گذارند. از طرفی با توجه به حمایت دربارها از شعر و شاعران، شعر در این دوره به رسانه‌ای برای تبلیغ دربار و به دنبال آن زندگی اشرافی و درباری تبدیل می‌شود. نه شاعر با توده‌ی مردم و زندگی و در آن‌ها ارتباطی دارد و نه زندگی این توده از اهمیت بیان برخوردار است. پس باید گفت شعر این دوره سرشار از تصاویر زندگی درباری است (رضوانیان، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۲). در سبک خراسانی به ویژه در شاهنامه اشعار رودکی، سخن منوچهری، خمسه نظامی، عناصر طبیعی، الهام‌بخش شاعران در سروده‌ها می‌باشد. زیبایی‌شناسی ادبی-هنری نه تنها با سبک خراسانی آغاز می‌شود بلکه در این سبک به عالی‌ترین درجه نیز رسیده است (عسکرنژاد و گذشتی، ۱۳۹۵: ۹۵). با این تفاسیر می‌توان گفت یکی از بارزترین ویژگی‌های سبک خراسانی توجه ویژه به تصویرگری از طبیعت و زیبایی‌های آن است.

یکی از شگردهای شاعران سبک خراسانی استفاده از تشبیهات اساطیری در توصیف مظاهر طبیعت است. شاعر در پی کشف ارتباط بین مظاهر طبیعت با یک یا چند تن از اشخاص و اشارات اساطیری است و سعی دارد تا به هر یک از عناصر طبیعت هویتی ماورائی و نمادین ببخشد. عناصری همچون هم‌رنگی، سپاهی، اشرافی، شکل هندسی، اعمال و کردار مشابه، وجه شبه میان قهرمانان حماسی و مضامین طبیعت قرار می‌گیرد. توصیفات به دور از هرگونه دقت در جزئیات است. این گونه تشبیهات در سبک خراسانی بدیع و نو می‌نماید. ریشه تشبیهات اساطیری اولین بار در شعر منوچهری دامغانی دیده شد. زیباترین و باشکوه‌ترین تصاویر مربوط به طلوع و غروب خورشید و برآمدن روز و شب در سبک خراسانی دیده می‌شود (خشکاب، ۱۳۹۷: ۱۴۴). شاعران فارسی تا قرن پنجم از تصویر و تصرفات خیالی، هیچ قصدی جز نفس این کار نداشتند و همین تصور از مفهوم شعر است که او را بر آفریدن تصویرهای گوناگون دربار هر یک از عناصر طبیعت حریص کرده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۰۲).

حضور معشوق مذکر که اغلب غلامی ترک و سپاهی بوده در شعر این دوره و تداوم این تصویرگری تا چند قرن پس از آن ادامه داشت. شاعر این دوره بیشتر با مسائل ملموس سر و کار دارد که خود حاصل شیوه زندگی اوست. ارتباط نزدیک با طبیعت و بهره‌مندی از خوشی‌های زندگی و نزدیکی به واقعیت سبب می‌شود که در شعر، این تصاویر انتزاعی اندک باشد. شاعر این دوره واقع‌گراست. شاعرانی چون منوچهری، فرخی و عنصری گرچه خود ماهیتاً از خانواده اشرافی برنخاسته بودند به دلیل حضورشان در فضای دربار و شکل‌گیری منش آن‌ها در آن فضا

از سویی و خواس صاحبان قدرت از دیگر سو سبب نفوذ عناصر زندگی اشرافی در فضای شعر شدند (رضوانیان، ۱۳۸۷: ۷۴). بنابراین توجه به حاکمان و سیاستمداران در مضمون شعری نیز از ویژگی‌های شعر شاعران در سبک خراسانی است. مدیحه‌پردازی‌های شاعران سبک خراسانی، اغلب بر معنی اندیشی شاعر مبتنی است و به همین سبب زبان در اغلب موارد در آن‌ها ابزار انتقال معنی است و کارکردی ارجاعی و نیز ترغیبی دارد؛ هر چند ظاهر این آثار، مثل زبان ارجاعی از پیرایه و آرایه‌های شعری خالی نیست. در نتیجه شعر مدحی به استفاده از قطب مجازی زبان گرایش دارد؛ حتی شاعرانی مانند منوچهری که از آرایه‌های ادبی و تصویرسازی‌های بدیع، بسیار بهره برده‌اند (طالبیان و سروری، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

۴. سبک شعر منوچهری و فرخی سیستانی

منوچهری به عنوان یکی از شاعران برجسته قرن پنجم هجری و سبک خراسانی، دارای اشعار منحصر به فردی است. او در سال‌های نخستین قرن پنجم هجری دیده به جهان گشود. تاریخ فوت او را ۴۳۲ ه.ق. نوشته‌اند. عنوان شعری او گویا از منوچهر بن قابوس و شمشگیر گرفته شده که در گرگان و طبرستان در زمان محمود و مسعود غزنوی حکومت می‌کرد. دیوان او شامل ۵۷ قصیده، ۱۱ مسمط، ۲۰ قطعه و تعدادی سروده‌های کوتاه است. او نخستین و یگانه مداح دوران غزنویان است (رادفر، ۱۳۷۸: ۱۴۸). نظام فکری او شادمانی و طرب است؛ به گونه‌ای که سایر عناصر را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از ویژگی‌های شعر منوچهری این است که در ورای تصاویر آن، امور وجدای و عقلانی چندانی نهفته نیست. در واقع این مصداق واقعی هنر برای هنر یا طبیعت برای طبیعت است، طبیعت در شعر منوچهری چنان جایگاهی خاص دارد؛ چنانکه او بهترین نماینده طبیعت و تصاویر حسی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۴۹۸). در زمان منوچهری (قرن پنجم)، گرایش به آرایه‌ها رو به فزونی نهاده است و عده‌ای از شاعران، این شیوه را در شاعر پیش گرفته‌اند و منوچهری نیز این جریان برکنار نبوده است. بنابراین در شعر وی نیز گرایش به آراستن کلام از رهگذر صنایع بدیعی دیده می‌شود اما این گرایش در حد تعادل است و چندان زیاد نیست. دیوان منوچهری سرشار از سازها و آواهای موسیقی است و اصولاً منوچهری طبیعت را همراه با می و رامش و ساقی و مطرب می‌خواهد، به همین دلیل در شعر او قمری نوزانده سرنا گلو پر از باد کرده است و عنده‌لیب بر گل تر نوای گنج فریدون را می‌نوازد (گراوند، ۱۳۸۹: ۴۰-۴۴). منوچهری در اشعارش به مضامینی چون مدح، هزل و هجو، غزل، پند و اندرز و حکمت، توصیف استقبال شاعران دیگر از شعر منوچهری، صور خیال پرداخته و سپس به مسمط‌سازی منوچهری وجه شده است (رادفر، ۱۳۷۸: ۱۵۲). با این تفاسیر باید گفت، منوچهری در مضامین مختلف به سرودن شعر پرداخته اما مدایح و طبیعت دو مضمون اصلی شعرهای منوچهری بوده است. ابوالحسن علی بن جولوغ، فرخی سیستانی (متوفی ۴۲۹)، شاعر بزرگ ایران در اواخر قرن چهار و اوایل قرن پنجم هجری و از جمله سرآمدان سخن در تمام ادوار ادب فارسی است (صفا، ۱۳۱۷: ۱۲۶). سبک خراسانی، سبک رایج عصر فرخی و سرودن شعر در قالب قصیده با درون مایه‌های ستایش و توصیف، میدان هنرنمایی اغلب شاعران آن دوره بوده است. ولی در هر دو زمینه مورد بحث، یعنی ستایش و توصیف، فرخی بسیار توانمند بوده است به گونه‌ای که موجبات سرافرازی شاعر و راه یافتن او به دربارهای امیران را برای او فراهم می‌آورد (صحرايي، ۱۳۸۵: ۱۱۱). فرخی سیستانی وارد دربار چغانیان در ماوراءالنهر گردید تا اشعارش را معرفی کند. امیر چغانی از اشعار فرخی حیرت زده شد و به او پاداش داد. مدت توقف فرخی در چغانیان و نیز زمان عزیمت او به دربار محمود غزنوی به

روشنی معلوم نیست؛ ولی آنچه معلوم است آن است که فرخی تا پایان عمر یعنی سال ۴۲۹ هجری در دربار غزنویان به سر برده است (یوسفی، ۱۳۶۸: ۱۳-۳۳).

فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه و نوع زیست فرخی سیستانی سبب شده است تا مدح و ستایش تبدیل به یکی از مهم ترین مضامین شعری فرخی سیستانی گردد. شاهان غزنوی به دلایل متعددی از جمله انتشار نام و آوازه‌ی آنان در بین مردم و حفظ و ثبت آن شکوه و شهرت در خلال دیوان‌های شعر، به تشویق و نیکوداشت شاعران می‌پرداختند. به علاوه شاهان غزنوی به ویژه محمود، مانند همه‌ی افراد بشر به خصوص ارباب قدرت، از مدایح شعرا لذت می‌برده و حس خودخواهی و غرورشان ارضا می‌شده است. فرخی یکی از شاعرانی بود که مدایح فراوانی در وصف محمود غزنوی دارد (صحرايي، ۱۳۸۵: ۱۱۴). فرخی شاعری درباری و ستایشگر است و مدح و ستایش صفت بارز شاعری او به شکار می‌رود (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۴۹۱-۴۸۹). یکی از مقدمات و زمینه‌های ستایشگری فرخی، توصیف است. وی در بخش عمده‌ای از اشعارش، توصیف را برای زمینه‌سازی مدح یا بخشی از ستایش ممدوحان خویش به کار گرفته است. او در تشبیب و تغزل قصاید خود با وصف زیبایی‌های انسان و طبیعت و تصویرسازی‌هایی از کیفیات عاطفی چون حالات عشق و عاشقی و آرزومندی‌ها و حسب حال‌ها زمینه ورود به مدح ممدوح را مهیا می‌ساخت و در متن قصاید با توصیف قدرت و شوکت سلاطین و بزرگ‌نمایی کارهای ایشان به ستایش ممدوحان خویش می‌پرداخت (امامی افشار، ۱۳۸۲: ۳۰). با این تفاسیر مدح و توصیف طبیعت دو مضمون به هم پیوسته‌ی شعر نزد فرخی سیستانی است.

۵. نگارگری سده هشتم

پیشینه نگارگری ایرانی به دوره‌های قبل از آغاز تمدن اسلامی بر می‌گردد. از سده سوم هجری با تشکیل حکومت‌های محلی ایرانی نژاد، آداب و سنن هنری و فرهنگی ایرانی‌ها که طی چند قرون دچار رکود شده بود حیات دوباره خود را بر اساس اعتقادات و بینش اسلامی آغاز کرد. در این دوره، آثار متعددی به صورت نقاشی دیواری در کاخ‌ها و اماکن، کتاب‌آرایی، نقاشی روی ظرف به دست نگارگران ایرانی به وجود آمد که متأسفانه بخش قابل توجهی از آن‌ها از میان رفته است (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۱۷). گرچه در نیمه دوم سده هشتم هجری، کارهای با کیفیتی در حوزه نگارگری به منصف ظهور رسید، اما سنت نگارگری در عصر ایلخانی رونق زیادی به دست نیاورد. در دوره تیموری، هنر نقاشی مینیاتور به اوج شکوفایی خود رسید و سبکی کاملاً ایرانی از دل سبک‌های مختلف دوره ایلخانی در ایران ظهور کرد. در واقع، دوره تیموریان یکی از برجسته‌ترین دوران نگارگری ایران به شمار می‌رود و در این عصر، مهم‌ترین پیشرفت‌ها در این هنر به عرصه ظهور رسید (رایس، ۱۳۷۵: ۲۳۰). هرچند از حکومت تیمور در سمرقند کتابی به دست نیامده است؛ اما در زمان حکومت شاهرخ، فرهنگ و هنر مورد حمایت قرار گرفت و با آرامشی که ایجاد شد، هنرمندان آموخته‌های پیشین را به تکامل رساندند (شریف‌زاده، ۱۳۸۳: ۸۸). با رونق نگارگری و کتاب‌آرایی در غرب ایران به مرکزیت تبریز، در سرزمین فارس به دلیل برکنار ماندن از تاخت و تاز مغولان میراث هنر نگارگری بر اساس سنت‌های تاریخی نقاشی ایران ادامه یافت و شیوه هنر نگارگری ایرانی در فارس، بدون تأثیرات ناشی از سبک مغول سیر تحولات طبیعی خود را طی کرد (شاهکارهای نگارگری ایران، ۱۳۸۴: ۱۸).

مکتب نقاشی شیراز از فعال‌ترین مراکز نگارگری ایران از اواسط قرن هشتم هجری تا پایان این قرن است. نخستین آثار این مکتب در طول سال‌های ۷۴۰ تا ۷۹۵ هجری در زمانی که خاندان آل‌اینجو (۷۴۲-۷۸۵ هجری) و آل مظفر

(۷۴۰-۷۹۵ هجری) بر فارس و نواحی فارس حکومت می‌کردند، پدید آمده است. این برهه زمانی تقریباً مصادف با زمانی است که خاندان آل جلایر بر بغداد و تبریز حکومت می‌کردند و از این نظر مکتب شیراز با مکتب نگارگری تبریز دارای وجوهات مشترک فراوان است (مقتدائی، ۱۳۹۳: ۵۴/۱). کارگاه‌های شیراز تحت حمایت امیران اینجو فعالیت گسترده‌ای را در زمینه مصورسازی متون ادبی به ویژه شاهنامه و متون مذهبی آغاز کردند. تعدادی از نسخه‌های مصور این کارگاه‌ها به کشورهای هند، ترکیه و برخی نواحی ایران صادر شد. بدین ترتیب سبک نگارگری و تذهیب شیراز به نقاط دیگر راه یافت و رگه‌هایی از آن در نگارگری دربار هند شرقی رسوخ پیدا کرد (عظیمی، ۱۳۹۳: ۳۹). با مطالعه منابع تاریخی این دوره مسجل می‌گردد، شاهنامه‌های ۷۳۳ و ۷۴۱ ه.ق، در سالیان پر التهاب و سراسر کشمکش شاهان آل اینجو به تصویر در آمده است که در این ایام، بی‌اعتمادی حکومت ایلخانان به آل اینجو و پس از آن درگیری‌های روزافزون حاکمان آل اینجو با مدعیان حکومت فارس موجبات تزلزل پایه‌های قدرت این خاندان را فراهم نموده بود. اوضاع فارس در سده هشتم نیازمند القا روحیه‌ای مبتنی بر موارث ایرانی به منظور تأیید مشروعیت شاهان بود؛ به همین دلیل در نسخ این دوره الواح بار عام دیده می‌شود (پورافضل و نوروزی، ۱۳۹۶: ۴۸). با ظهور سلسله تیموری، شهر شیراز به مهد مکتب تیموری تبدیل شد و نگارگری در قرن نهم نیز ادامه پیدا کرد.

۶. تقاضا از ممدوح در اشعار فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی و مطابقت آن با نگارگری سده هشتم فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی هم از شاعرانی هستند که در شعر خود تقاضاهایی فراوانی را که جنبه مادی و غیر مادی دارند، از ممدوح خود داشته‌اند.

۱.۶. تقاضای صله

یکی از مهم‌ترین تقاضاهایی که در اشعار فرخی و منوچهری دیده می‌شود، درخواست صله است. به گفته دهخدا «صله در لغت به معنای جایزه‌ای است که به خصوص امرا و پادشاهان، به شاعران می‌دادند در برابر سرودن مدح (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه صله). این نوع تقاضا از ممدوح، در بیشتر مواقع به صورت غیر صریح و غیر مستقیم بیان می‌شده است. در اغلب مواقع، نوع و جنس صله درخواست شده به طور دقیق مشخص نمی‌شود و تنها به صورت کلی، تحت عنوان صله از ممدوح تقاضا می‌شود و ممدوح، خود بنا به موقعیت شاعر و مورد قبول قرار گرفتن سروده آن‌ها و سایر شرایط زمانی و مکانی تشخیص می‌داده است که چه نوع پاداش و صله‌ای را برای شاعر در نظر گیرد. فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی، در ضمن اشعاری که در ستایش ممدوح سروده‌اند، خواستار صله شده‌اند و نوع آن را تعیین نکرده‌اند. به‌طور مثال در ابیات زیر، فرخی سیستانی، به طور ضمنی، از ممدوح می‌خواهد که بخشش خود را شامل حالش کند و به او گنج ببخشد:

آیا شاهی که از شاهان نیامد کس ترا همسر	آیا میری که از میران نباشد کس ترا همتا
به هر می خوردنی چندان به ما بر، زر تو در پاشی	که از بس رنگ زر تو سلب زرین شود بر ما
امیرا، خسروا، شاها، همانا عهد کرده‌ستی	که گنجی را بر افشانی چو بر کف بر نهی صیها
تو از دیدار ماح همچنان شادای شوی شاها	که هرگز نیم از آن وامق نگشت از دیدن عذرا

(فرخی، ۱۳۹۳: ۲)

و باز هم در بیت زیر، از ممدوحش می‌خواهد که بخشنده باشد و در بخشندگی‌اش، کوچکترین تردیدی نداشته باشد:

پادشا باش ای کریم و در کریمی بی‌ریا یا پادشا باش ای جواد و در جواد بی‌ریب
(همان: ۷)

در قصیده‌ای دیگر که تحت عنوان «تقاضا و مدح محمد بن محمود بن ناصرالدین» سروده است، از ممدوحش می‌خواهد که همچون پدرش، نسبت به مدآحان بخشندگی داشته باشد و آنها را مورد توجه قرار دهد:

ای همه ساله ز خوی تو دل سلطان شاد کیست کز نعمت زر تو و از بخشش تو خوی نیکوی تو بر ما در اندوه بیست مر مرا باری از بخشش پیوسته تو لعبتان دارم شیرین سخن و رومی روی همه نیکویی دارم به کف از دو کف تو روی آن جاه و بزرگی که ز تو یافته‌ام من قبای تو نه از بی‌ادبی خواسته‌ام نه همی گویم چیزی کن کان خلق نکرد پدر تو ملک مشرق و سلطان جهان تو همان کن که پدر کرد که مداحان را
دل سلطان همه سال از خوی تو شادان باد... کار و یران شده خویش ز کردست آباد در اندوه بیست و در شادی بگشاد نشناسند همی خانه ز کرخ بغداد مرکبان دارم ختلی گهر و تازی زاد بس نکویی که مرا بود از آن دو کف راد زان قبا خواهم کردن که مرا خواهی داد وین سخن نیز نه از بی‌ادبی کردم یاد نه همی گویم رسمی نه کان کس ننهاده دل و جانم را کرده‌ست بدین معنی شاد آنچه داده‌ست مر آن را به بزرگی بدهاد
(همان: ۳۹-۳۸)

فرخی همچنین در ابیاتی دیگر که در مدح «ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی» سروده است، به طور صریح از او می‌خواهد که مال و ثروتی به او ببخشد تا در آخر عمرش، در رفاه باشد و نیازمند نباشد:

ای به تو تازه کریمی و به تو تازه سخا در سرای پسران تو و در خدمت تو وقت آن است که بنشینم در کوشکی شغلی سازم بر دست که از موقف آن بنده را مایگی ده که همه عمر ترا
کردمی دایم از آن کس که جز این بود حذر پیر گشتم تو بدین موی سیاهم منگر تا بی‌اندوه به پایان برم این عمر مگر هم مرا ساز سفر باشد و هم ساز حضر دولت و بخت معین باد و سپهرت یاور
(همان: ۱۵۶)

منوچهری دامغانی نیز همچون فرخی گاهی اوقات، به طور غیر صریح از ممدوحش طلب مال و مکنت می‌کند و گاهی نیز به طور مستقیم از او تقاضای بخشش می‌کند.

در ابیات زیر، از بخشندگی و جوانمردی ممدوح سخن می‌گوید و به طور ضمنی از وی، طلب بخشش می‌کند:

الا یا سایه یزدان و قطب دین پیغمبر بهار نصرت و مجدی و اخلاق ریاحین ها کف راد تو بازست و فرازست اینهمه کف‌ها
به جود اندر چو باران‌ها، به خشم اندر چو تندرها بهشت حکمت و جودی و انگشانت کوثرها... در بارت گشاده‌ست و بیسته‌ست اینهمه درها
(منوچهری دامغانی، ۱۳۹۰: ۴)

منوچهری همچنین در جای دیگری از اشعارش که در مدح «خواجه ابوالحسن بن علی» سروده است، از وی، تقاضای کمک مالی و بخشش می‌کند:

ای عوض آفتاب، روز و شبان بآب و تاب
گفته امت مدحتی، خوبتر از لعبتی
جایزه خواهم یکی، کم بدهی اندکی
سیم توی من رسید، جامه نیامد پدید
هست در آن بس کشی جامه ز تن بر کشی
بنده بنازد بدان، سر بفرازد بدان
(همان: ۱۸)

و باز هم در جای دیگری، طلب جود ممدوح را می‌کند و می‌سراید:

طلب و گیر و نمای و شمر و ساز و گسل
بستان کشور جود و بفشان زرّ و درم
طرب و مُلک و نشاط و هنر و جود و نیاز
بش کن لشکر بخل و بفکن پیکر آز
(همان: ۵۱)

همچنین شاعر در ابیات دیگری، ضمن اینکه از ممدوحش درخواست‌های متعددی را مطرح می‌کند، از او می‌خواهد که همواره بخشنده باشد:

گنج نه، گوهر فشان، صهبا کش و دستان شنو
انوشه خور، طرب کن، جاودان زی
باره ده، قصّه ستان، توقیع زن، تدبیرساز
درم ده، دوست خوان، دشمن پراکن
(همان: ۵۵)
(همان: ۸۸)



تصویر ۱: نگاره حکومت آل‌اینجو با مضمون بار عام شاهی و رفتن بزرگان نزد پادشاه، عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات- ۷۲۲ه.ق. (منبع: Appendix: ۲۰۱۰, Contalini).

مضمون این نگارگری ارتباط مستقیمی با بردن اعلام نیاز به درگاه شاه دارد و مراسم بارعام بهترین فرصت برای این اعلام تقاضا و درخواست از شاه است. از سوی دیگر نگارگر با ترسیم این رویداد اوج خضوع خود را به شاه و قدرت او اعلام می‌کند تا شاید مورد توجه قرار گیرد.

به موازات تقاضاهای مادی در شعر، فرخی سیستانی و منوچهری درخواست‌های دیگری نیز از ممدوح خود داشته‌اند که غیر مادی بوده است. منظور از تقاضاهای غیر مادی، تقاضاهایی است که مانند نیازهای مادی، جنبه جسمانی ندارند. البته این بدان معنا نیست که تقاضاهای غیر مادی، مفهومی معنوی و روحانی دارند، بلکه این نوع درخواست‌ها، به نوعی با جنبه مادی و زمینی، سر و کار دارد و در برخی موارد این قابلیت را دارد که به جنبه مادی تبدیل شود. در برخی موارد، به اعتقادات و باورها و عواطف شاعر مربوط می‌شود. از نظر کمی، حجم بیشتری از درخواست‌های شاعران مورد مطالعه را شامل می‌شود که همین مسأله، بیانگر میل و رغبت شاعر به تقاضاهای غیر مادی نسبت به درخواست‌های مادی است. در ادامه، نمونه‌های موارد درخواست شده، آورده می‌شود:

۲.۶. درخواست شادمانی و اهل نشاط بودن

درخواست دیگری که فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی از ممدوحانشان دارند، این است که از آن‌ها می‌خواهند همواره شادمان و اهل شادی و نشاط باشند. چنانکه فرخی در ابیات زیر از ممدوحش، سلطان محمد می‌خواهد که همانند پدرش -سلطان محمود- اهل نشاط و شادی باشد:

ای امیری که در زمانه تو کف به رادی گشاده چشم به مهر زائر از تو به خرمی و طرب تخت شاهی و پادشاهی و ملک چون پدر کامکار باش که تو	نیست شد نام زفتی و بیداد دست دادت خدای با کف راد درم از تو به ناله و فریاد بر تو بر زمانه فرخ باد پدر دیگری به رسم و نهاد (فرخی، ۱۳۹۳: ۴۲)
--	---

فرخی همچنین در قصیده دیگری از «امیر محمد بن محمود بن ناصرالدین» می‌خواهد که همواره شادمان و خرم باشد:

ای از تو یافته دل و فرخ شده سال نوست و ماه نو و روز نو شادی و خرمی را نو کن بسیج	غم‌گین و دلشکسته چون فرخی هزار وقت بهار و وقت گل کامکار دل را به خرمی و به شادی سپار (همان: ۹۷)
--	--

در ابیات زیر از ممدوحش «شمس الکفاه ابوالقاسم احمد بن حسن میمندی» می‌خواهد که همیشه شاد باشد:

شاه را گو تو به شادی و طرب دل نه و بس	وز پی ساختن مملکت اندیشه مبر (همان: ۱۵۵)
---------------------------------------	---

ممدوح مورد نظر فرخی در ابیات زیر نیز «عضدالدوله امیر یوسف بن ناصرالدین» است که از وی می‌خواهد همواره شاد باشد و شراب بنوشد:

ای تازه‌تر اندر بر خلق از در نوروز آمد گه نوروز و جهان گشت دل افروز می خواه و طرب جوی و ز بهر طرب خویش	ای دوست تر اندر دل خلق از سر شوال شد باغ ز بس گوهر چون کیله کیال می را سبمی ساز و بر اندیش و بر آغال (همان: ۲۱۹)
--	---

فرخی از ممدوحش -سلطان محمود- می‌خواهد که مجلسی برگزار کند و در آن مجلس، جهت شادی و شادکامی، شراب بنوشد:

مجلس افروز به تو باغ تو امروز شها
مجلس نو کن و نو گیر و می نوش گوار
(فرخی، ۱۳۹۳: ۸۰)

و نیز در جای دیگری از ممدوحش «امیر ابویعقوب یوسف بن ناصرالدین سبکتگین» می‌خواهد که شراب بنوشد و شعر شاعران را گوش دهد:

می ستان از کف بتان چگل
لاله رخسار و یاسمین غبغب
آنکه زلفش چو خوشهٔ عنب است
لبش از رنگ همچو آب عنب...
(همان: ۱۵)

منوچهری دامغانی نیز، یکی از درخواست‌هایی که به طور مکرر از ممدوحش می‌کند، این است که شادمان باشد و خرم زندگی کند. وی می‌سراید:

انوشه خور، طرب کن، جاودان زی
درم ده، دوست خون، دشمن پراکن
همچنین دیر زی و شاد زن و خرم زی
همچنین دیر زی و شاد زن و خرم زی
(منوچهری، ۱۳۹۰: ۸۸)

همچنین داد ده و نیزه زن و بخل‌گداز
(همان: ۵۲)

در نگاره‌ی «جشنی در دربار سلطان حسین میرزا»، اثر بهزاد می‌توان نمایی از دیدار رسمی و انعکاس درخواست و تقاضای اطرافیان را از شاه مشاهده کرد. به تصویر کشیدن مجلسی دوستانه و مزین به مطربان و وسایل موسیقی می‌تواند نمایش‌گر درخواست نگارگران بر تشویق شاهان به برگزاری چنین مجالسی باشد.



تصویر ۲: جشنی در دربار سلطان حسین میرزا، اثر بهزاد. ۹۴۲ق. ماخذ: (اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان، ۱۳۷۹).

۳.۶. طلب توجه و عنایت ممدوح

در مواردی، شاعران به دلایل مختلف، خواستار توجه و عنایت ممدوحشان بوده‌اند، دلایلی چون: بی‌مهری ممدوح، فراموش کردن شاعر و بدبین شدن ممدوح نسبت به وی.

فرخی سیستانی در یکی از قصایدش، از ممدوح می‌خواهد که بار دیگر او را به درگاه بخواند و لطف و نیکی‌اش را شامل حال او کند:

ای نمودار معجزات مسیح
تا من از درگه تو دور شدم
آنچه بی تو برین دل است از غم
دور کردی مرا ز خدمت خویش
همه امید من تویی در غم
داد و نیکویی از تو دارم چشم
شاد گردان مرا به دیدن خویش
ای سزاوار پیشگاه قباد
بی تکلف همی نگرדם شاد
نه همانا که بود بر فرهاد
چون شمن را ز لعبت نو شاد
تو رسیدی همی مرا فریاد
چون ز تو جور بینم و بیداد
تا دل من شود ز رنج آزاد
(فرخی، ۱۳۹۳: ۴۴)

شاعر همچنین در جای دیگری از می‌خواهد که با او دیدار کند:

ای از در دیدار پدید آی و پدید آر
تا کی تو ز من دور وزایشه دوری
آن روی، کزو رنگ رباید گل بر بار
من با دل پر حسرت و با دیده خونبار
(همان: ۱۱۹)

از دیگر درخواست‌های شاعر که برای او در درجه اهمیت فراوان قرار دارد، توجه به سروده شاعر و قبول سخنش است؛ چرا که از این رهگذر است که شاعر می‌تواند سایر درخواست‌هایش را از ممدوح داشته باشد و تا سخنش مورد قبول قرار نگیرد، به سایر درخواست‌هایش رسیدگی نمی‌شود. فرخی سیستانی، در ابیات زیر از ممدوحش، سلطان محمد بن محمود، می‌خواهد که اشعارش را مورد قبول خود قرار دهد و شرایط روحی و جسمی او را درک کند:

بار خدایا، خدایگانا، شاها
زا نکه مرا رنج و خستگی ره قنوج
شعر مرا سهل برگذاره کن این بار
کوفته کرده‌ست و خیره مغز و سبکسار
(همان: ۹۴)



تصویر ۳: گلنار و اردشیر از شاهنامه بایسنقری، ۸۳۳ق. مأخذ (پاکباز، ۱۳۸۰).

نگاره «گلنار و اردشیر» از شاهنامه بایسنقری، نیز که تصویری از زندگی کاخ‌نشینی است که می‌توان در آن انعکاس تقاضا و درخواست را مشاهده کرد. این نگاره که خدمت‌گزاری و احترام به شاه را به تصویر کشیده است و نمایشی از رابطه خادم و مخدوم در دربار است.



تصویر ۴: نگاره زندانیان در برابر خسرو (از گلچین اسکندرسلطان)، ۸۱۳ق. منبع: (گری: ۱۳۸۵)

میراث هنری مهمی که در قرن هشتم به حد شکوفایی رسید، نگارگری بود. در این دوره، تحریم نگارگری تا اندازه‌ای شکسته شد و جنبه همگانی‌تری یافت. این زمان با بهره‌گیری از تأثیرات هنری پیشین، نگارگری ناب ایرانی پدید آمد. هنرمند ایرانی با آگاهی و درک مناسب از تصویرگری، توانست تأثیرات هنر خاور دور (چین) مانند دقت در جزئیات، ترسیم کوه به شیوه لایه لایه، ابرهای پیچان، هاشور زنی و ترسیم آب به صورت پولک پولک را با شیوه هنر بیزانسی یعنی استفاده از رنگ نقره‌ای و حالات چهره اشخاص را ترکیب نموده و با هوشمندی مناسب در هنر خود آورده و به آن‌ها رنگ و بویی ایرانی ببخشد. تمامی این ویژگی‌ها برای کتاب‌هایی که بیانگر روح ایرانی هستند بسیار مناسب به نظر می‌رسید. برجسته‌ترین این آثار، شاهنامه فردوسی و کتب تاریخی است که همت والایی برای مصورسازی آن به کار رفته است. در نیمه دوم سده هفتم هجری مرحله انتقالی سنت نگارگری با حضور هنرمندانی که وفادار به سنت ایرانی هستند، با آگاهی از ویژگی‌های هنری سرزمین‌های دیگر شکل گرفت. آن‌ها توانستند با غنا بخشیدن به فنون هنری، توانمندی‌هایی در منظره سازی و استفاده همزمان از رنگ‌های جسمی و روحی پدید آورند. اما همچنان آثاری نیز با تلفیق سنت‌های تصویری سده‌های چهارم تا ششم هجری و عناصر آسیای میانه در این زمان مشاهده می‌شود. همزمان با تسلط ایلخانان مغول، نگارگران شیراز توانستند میراث‌دار سنت‌های پیشین هنری ایران در نگارگری باشند. آن‌ها همت بسیاری در تولید آثار مکتوب و سنت کتاب داشتند و ابداعاتی را در زمینه نقاشی و نگارگری ایجاد کردند. در این مکتب بر انسان تأکید تصویری بسیاری شده است. هنرمندان این آثار، گاهی در بین نگارگری‌های خود، تقاضاها و درخواست‌های ذهنی خود را مطرح می‌کردند و به روایت تصویر، خواسته‌های خود را مطرح می‌ساختند و از این لحاظ، نگارگری این قرون، قابل مقایسه با شعر فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی است که نمونه‌های اشعار تقاضایی در دیوان آن‌ها فراوان یافت می‌شود.

نتیجه گیری

با بررسی هایی که در اشعار فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی در ارتباط با تقاضا از ممدوح صورت گرفت، به این نتیجه می توان رسید که چنین اشعاری، علاوه بر این که از ارزش های زبانی و هنری فراوانی برخوردارند، زمینه های تاریخی و اجتماعی آن زمان را روشن و شفاف به تصویر می کشد و بیانگر وضعیت شاعر در عصر اوست که متأثر از مسائل سیاسی و اجتماعی روزگارش بوده است. به همین دلیل، دیوان شاعران قرون چهارم تا ششم هجری، از جمله فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی، منعکس کننده ابعاد مختلف تاریخ، فرهنگ و هنر دوران خاص خود بوده اند. با استخراج و تجزیه و تحلیل موارد تقاضایی از ممدوح، به این نتیجه کلی رسیده شد که برخلاف تصور اولیه، بیشترین میزان تقاضا از ممدوح در دیوان شعری این شاعران، مربوط به درخواست های غیرمادی شاعر از ممدوحانش است و درصد کمی از تقاضاهای این شاعران از ممدوح، مربوط به درخواست های مادی است. درخواست های مادی این شاعران از ممدوح، مربوط به تقاضای صلح و بخشش از جانب ممدوح است که شامل تقاضایی پیش پا افتاده و سطحی که از محتاج بودن شاعر در ضروریات زندگی خبر می دهد. اما این تقاضاها را شاعر با بیان هنرمندانه خود، به گونه ای مطرح کرده است که با حسن طلب و ادب سؤال همراه است که این موضوع، نشانگر هنرمندی شاعر و تسلط او بر بیان هنری است. تقاضاهای غیر مادی شاعر، شامل مواردی از قبیل: تقاضای نابودی و به هلاکت رساندن دشمنان، درخواست شادمانی و اهل نشاط بودن، درخواست پایبندی به فضایل اخلاقی، درخواست نابودی حسودان، و طلب توجه و عنایت ممدوح می شود که بیشترین میزان تقاضا از ممدوح را در شعر آن ها به خود اختصاص داده است. همچنین در نگارگری سده هشتم هجری نیز نمونه هایی از بیان تقاضا به روایت تصویر مشاهده می شود و هنرمندان، تقاضاهای مادی و غیر مادی خود را در آثار هنری خود مطرح کرده اند. تقاضاهای منعکس شده در نگارگری ها بیشتر حول درخواست مالی، طلب بخشش و مهربانی و ترویج شادی است.

منابع

- امامی افشار، احمدعلی (۱۳۸۲)، گزیده اشعار فرخی و کسایی، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره.
- اتینگهاوزن، ریچارد و یارشاطر، احسان (۱۳۷۹)، اوج های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبدالهی و رویین پاکبار، تهران: آگاه.
- پاکبار، رویین (۱۳۸۰)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چاپ دوم، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- خشکاب، محمد، عشقی سردهی، علی، امیراحمدی، ابوالقاسم (۱۳۹۸)، «بررسی تشبیهات اساطیری در توصیف طبیعت در سبک خراسانی و عراقی»، پژوهشنامه ادب حماسی، شماره ۲۸، صص ۱۲۱-۱۴۸.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، «سبک و درون مایه شعر منوچهری»، فرهنگ قومس، شماره ۹، صص ۱۴۸-۱۵۲.

رزمجو، حسین (۱۳۸۲)، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
.....، ۱۳۶۶، شعر کهن فارسی در ترازوی نقد اخلاق اسلامی، مشهد: دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۷)، «ساختار معنادار شعر سبک خراسانی»، دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۲۵،
صص ۶۵-۷۸.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۶)، شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، تهران: انتشارات علمی، چاپ اول.
پورافضل، الهام، نوروزی، فائزه (۱۳۹۶)، «تحلیل شمایل شناسانه الواح مصور افتتاحیه در نسخ شاهنامه ۷۳۳ و ۷۴۱ ه.ق.
آل اینجو»، فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۲۷، صص ۳۲-۵۵.
سبحانی، توفیق (۱۳۷۶)، «گزیده شاعر فرخی سیستانی و کسایی مروزی»، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
شاهکارهای نگارگری ایران (۱۳۸۴)، تهران: موزه هنرهای معاصر.

شریفزاده، عبدالمجید، (۱۳۸۳)، تاریخ هنر نگارگری، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنر کمال هنر با همکاری مؤسسه
فرهنگی و هنری خوش نهاد پیمان.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶)، صورخیال در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: آگاه
صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۱)، «تاریخ ادبیات ایران»، جلد اول، چاپ هشتم، تهران: انتشارات ققنوس.
صحرايي، قاسم (۱۳۸۵)، «ستایش و توصیف، دو جولانگاه فرخی سیستانی در شاعری»، پژوهشنامه ادب غنایی، شماره ۷،
صص ۱۱۱-۱۲۰.

طالبیان، یحیی، حسینی سروری، نجمه (۱۳۸۷)، «مدایح سبک خراسانی و گرایش به قطب مجازی زبان با استناد به
شعر منوچهری»، پژوهشنامه ادبی، شماره ۲۱، صص ۱۱۳-۱۳۱.

فرحناک جهرمی، زینب (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل تقاضا و درخواست در شعر فارسی از قرن هفتم تا پایان قرن نهم
(سبک عراقی)، به راهنمایی علی اصغر باباصفری، پایان نامه چاپ نشده دانشگاه اصفهان.

فرخی سیستانی، ۱۳۱۲، دیوان، به تصحیح علی عبدالرسولی، تهران: مطبوعه مجلس.
عسکرنژاد، منیر، گذشتی، محمدعلی (۱۳۹۵)، «تأثیر سبک خراسانی بر نگارگری ایرانی»، علوم ادبی، شماره ۸، صص ۹۵-
۱۱۰.

عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۳)، مکتب هنری شیراز در نسخ خطی ایران، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی با همکاری
بنیاد فارس شناسی شیراز.

گراوند، علی (۱۳۸۹)، «سبک شعر منوچهری دامغانی»، رشد آموزش زبان و ادب، شماره ۹۵، صص ۴۰-۴۵.

گری، بازیل (۱۳۸۵)، نقاشی ایرانی، تهران: دنیای نو.

مقتدایی، علی اصغر (۱۳۹۳)، شناخت و ارزیابی کاربردی هنرهای اسلامی ایران (۱) و (۲)، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

منوچهری دامغانی، (بی تا)، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: سخن.
یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۸)، فرخی سیستانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی.